

ج) آنچه گفتیم تقریری است که مشهور اصولیون با اتکا به آن، بحث صحیح و اعم را مبتنی بر بحث حقیقت شرعیه ندانسته اند. مرحوم آخوند تقریر ایشان را چنین می نویسد:

«و غاية ما يمكن أن يقال في تصويره أن النزاع وقع على هذا في أن الأصل في هذه الألفاظ المستعملة مجازاً في كلام الشارع هو استعمالها في خصوص الصحيحة أو الأعم بمعنى أن أيهما قد اعتبرت العلاقة بينه وبين المعاني اللغوية ابتداءً وقد استعمل في الآخر بتبعه و مناسبتة كي ينزل كلامه عليه مع القرينة الصارفة عن المعاني اللغوية و عدم قرينة أخرى معينة للآخر»<sup>۱</sup>

توضیح :

۱) بحث در این است که اصل در الفاظی که شارع آنها را استعمال کرده چیست؟ آیا ابتداءً شارع بین معنای لغوی و معنای صحیح علاقه ای را لحاظ کرده و قرینه ای را بر این استعمال مجازی قرار داده و در مرحله بعد بین معنای صحیح و معنای اعم علاقه ای دیگر را لحاظ کرده و قرینه دوّمی را قرار داده است؟ یا امر بالعکس است.

۲) ثمره آن است که اگر قرینه دوم نبود، حمل می شود بر معنایی که بین آن و معنای لغوی علاقه وجود دارد.

۳) [منتهی الدراية می نویسد: این استدلال به شیخ اعظم انصاری نسبت داده شده است<sup>۲</sup> در حالیکه به نظر می رسد آنچه از کلام شیخ استفاده می شود، غیر از این تقریر است<sup>۳</sup>.]

د) مرحوم آخوند بر این تصویر بحث (به گونه ای که مبتنی بر حقیقت شرعیه نباشد) اشکال کرده اند، ایشان می

نویسد:

«و أنت خبير بأنه لا يكاد يصح هذا إلا إذا علم أن العلاقة إنما اعتبرت كذلك و أن بناء الشارع في محاوراته استقر عند عدم نصب قرينة أخرى على إرادته بحيث كان هذا قرينة عليه من غير حاجة إلى قرينة معينة أخرى و أنى لهم بإثبات ذلك»<sup>۴</sup>

توضیح :

۱) این تصویر تنها در صورتی صحیح است که بدانیم شارع علاقه ها را به این نحوه اعتبار کرده است و بنای شارع در محاوراتش آن است که اگر قرینه دوّمی را نیاورد، همان معنایی را اراده کند که در مرحله اول بین

۱. کفایة الأصول، ص ۲۳

۲. نهاية الدراية، ج ۱ ص ۱۰۳

۳. مطارح الأنظار، ج ۱ ص ۳۲

۴. کفایة الأصول، ص ۲۴



آن و معنای لغوی علاقه ای را اعتبار کرده بود.

۲) به گونه ای که همین عدم قرینه دوّم، قرینه ای باشد بر اراده معنای مجازی اوّل،

۳) لکن احراز چنین اصلی در استعمالات شارع، ممکن نیست.

هـ) برخی خواسته اند از این فرمایش مرحوم آخوند استفاده کنند که: ایشان بحث صحیح و اعم را مبتنی بر حقیقت شرعیه می داند به این بیان که ایشان می فرماید چون نمی توانیم ثابت کنیم که شارع به سبک مجاز از مجاز تن داده است، می گوییم بحث از صحیح و اعم در صورت عدم حقیقت شرعیه تنها در صورتی جاری است که فرض سبک مجاز از مجاز جاری باشد و چون این فرض قابل اثبات نیست، در این صورت بحث صحیح و اعم در صورت عدم حقیقت شرعیه، جاری نمی شود.

ما می گوییم:

از آنچه گفته شده است نمی توان نتیجه گرفت که بحث مذکور جاری نیست بلکه می توان نتیجه گرفت که بحث مذکور بی ثمره است چراکه در هر صورت نمی توان فرض بحث را ثابت کرد، این در حالی است که می توان گفت همین فرض برای آنکه بحث جاری شود کافی است.

و) با توجه به همه آنچه گفتیم به نظر می رسد، عنوان مورد نظر «اصل در استعمال» که در کلمات امام مطرح شد، از بقیه عناوین بهتر است.

\*\*\*



مقدمه ۶:

صحت و فساد به چه معنی هستند؟

مرحوم آخوند می نویسد:

«أن الظاهر (أن الصحة عند الكل بمعنى واحد و هو التمامية و تفسیرها بإسقاط القضاء) كما عن الفقهاء أو بموافقة الشريعة كما عن المتكلمين أو غير ذلك إنما هو بالمهم من لوازمها لوضوح اختلافه بحسب اختلاف الأنظار و هذا لا يوجب تعدد المعنى كما لا يوجب اختلافها بحسب الحالات من السفر و الحضر و الاختيار و الاضطرار إلى غير ذلك كما لا يخفى. و منه ينقدح أن الصحة و الفساد أمران إضافيان فيختلف شيء واحد صحة و فسادا بحسب الحالات فيكون تاما بحسب حالة و فاسدا بحسب أخرى فتدبر جيدا.»<sup>۱</sup>

توضیح :

- ۱) صحت و فساد نزد همگان (فقهها، متکلمین) به یک معنی هستند.
  - ۲) صحت به معنای تمامیت است (تمامیت اجزاء و شرایط).
  - ۳) اینکه فقها گفته اند: صحت یعنی اسقاط قضاء [و اعاده]، و متکلمین گفته اند: صحت یعنی موافقت شریعت و غیر ذلك (مثلاً اطباء گفته اند صحت یعنی اعتدال مزاج<sup>۲</sup>)، تعریف صحت به لوازم صحت است.
  - ۴) چراکه از دیدگاه فقیه آنچه مهم است، اسقاط قضا است و لذا همان لازمه صحت را به عنوان تعریف آن، برگزیده است.
  - ۵) و طبیعی است که برای هر کس یکی از لوازم صحت، مهم است و لذا همان را به عنوان تعریف برگزیده است.
  - ۶) اما این اختلاف نظر به لوازم، باعث تعدد معنای صحت نمی شود.
  - ۷) کما اینکه اختلاف مصادیق صحت که به حسب حالات مختلف حاصل می شود، ضرری به تعریف واحد آن نمی زند.
  - ۸) و نکته آخر اینکه: صحت و فساد، اضافی هستند به این معنی که یک شیء ممکن است به حسب حالتی صحیح باشد [نماز دو رکعتی برای مسافر] ولی به حسب حالتی دیگر [برای حاضر] فاسد باشد.
- ما می گوئیم :

۱. کفایة الأصول، ص ۲۴

۲. ایضاح الکفایة، ج ۱ ص ۱۴۹



۱. در توضیح فرمایش آخوند لازم است که توجه کنیم اگر یک نمازی از دیدگاه فقهی صحیح است (مسقط قضاست) ولی از دیدگاه عرفانی صحیح نیست (معراج مومن نیست)، از این جهت است که از دیدگاه فقهی تامّ است و از دیدگاه عرفانی ناقص است.

۲. مرحوم آخوند صحت را به معنای «تمامیت من حیث الاجزاء و الشرایط» دانستند یعنی آنچه تمام اجزاء و شرائطش حاصل است صحیح است. این در حالی است که وحید بهبهانی - علی ما نسب إلیه - صحت را به معنای «تمامیت من حیث الاجزاء» دانسته است.<sup>۱</sup>



---

۱. منتهی الدرایة، ج ۱ ص ۱۰۷